

BACCALAURÉAT GÉNÉRAL

SESSION 2015

PERSAN

VENDREDI 19 JUIN 2015

LANGUE VIVANTE 1

Série L – Durée de l'épreuve : **3 heures** – coefficient : **4**

Séries ES-S – Durée de l'épreuve : **3 heures** – coefficient : **3**

L'usage des calculatrices électroniques et du dictionnaire est interdit.

Dès que ce sujet vous est remis, assurez-vous qu'il est complet.
Ce sujet comporte 4 pages numérotées de 1/4 à 4/4.

Répartition des points

Compréhension de l'écrit	10 points
Expression écrite	10 points

بند

دکان آن طرف حیاط بود. (...) و تنها درش رودرروی در دالان باز می شد. دکان دراز بود. به این معنی که تمام بدنه‌ی جنوبی حیاط را گرفته بود. سقف مثل سقف بیشتر خانه‌ها و دکان‌های دور از چشم مردم، با چوب پوشش شده بود و دیوارهایش کاهگلی بود. کف دکان به اندازه‌ی یک زانو از کف حیاط گودتر بود و نزدیک یک کمر، نم به استخوان پایه‌هایش دویده بود. روی سه بدنه‌ی دیوار سه 5. تخته‌ی قالی به دار بود و روی یک بدنه‌اش یک فالیچه‌ی نیمه‌کاره که از دور خیال می‌کردی ابریشمکار است. پای هر دار قالی، به اندازه‌ی یک زانو بالاتر از کف، الواری به چهار میخ کشیده شده بود و بچه‌ها تشکچه‌هایشان را روی آنها می‌انداختند. پای هر دستگاه پنج طفل قوز کرده، مثل پنج لاک- پشت نشسته بودند و می‌بافتند. در جمع پنج تا دختر بودند و بقیه پسر؛ و همه‌شان با مختصر توفیری همسر و همپا. قد همه‌شان کوتاه بود و رنگ همه‌شان زرد و باد دار. مثل شلغم پخته‌های شب- 10. مانده پر عمرتر از همه‌شان اسد بود که هیجده سالش می‌شد. اما اگر سجلش را نمی‌دیدی، یا از نزدیک نمی‌شناختیش باورت نمی‌شد که او از دوازده سال بیشتر دارد. قدش از یک زرع کمی بلندتر بود و بدنش از یک اسکلت کوچک کمی گوشتدارتر. (...)

گردنش کوتاه بود و چنان باریک که رگهایش را می‌شد شمرد. کله‌اش صاف و پیر بود، نظیر کدویی شته زده و آفتاب خورده. میرزا مظفر زیر برق برده بودش تاریشه‌ی کچلی را بسوزاند و سوزانده 15. بود. اما چیزی که بود هنوز یک لاخ مو هم از پوست سر اسد الله سبز نشده بود (...). میرزا مظفر (...) پشت سر بچه‌ها قدم می‌زد و از پشت گوشهاشان به دستها نگاه می‌کرد. می‌دانست خودش وجود دیگری است و بدنش پشت سر بچه‌ها حالت سیخی را دارد در پشت گردنشان و خودش که هست حرکت دستها تندر می‌شود و کارها منظم‌تر.

میرزا مظفر تا حرف می‌شد غیرت و از خود گذشتگی اش را به رخ شاگرد هایش می‌کشید و می‌گفت:

20. "من چارده سال توم، روزی پونزده ساعت پیش یه اوستای بیرجندی کار کردم و خم به ابروم

نیاوردم. تا آخرش خودش برام عروسی گرفت و دامادم کرد." (...)

چهه‌ها هم حرفی نداشتند. سرshan پایین بود و از نیش آفتاب تا بعد از غروب (...) مثل کژدم روی تشکچه‌هایشان چسبیده بودند. اذان که ختم می‌شد، کمرها هم راست می‌شد و نفسها آزاد، و خون توی پاهای خشک شده راه می‌افتد. هر طفل دستمال نانش را بر می‌داشت، گیوه‌هایش را ور می‌کشید 25. و از در بیرون می‌رفت. و اسدالله تنها می‌ماند میان چهارتای دیوار که نقاشی شده بود از نخ‌های رنگ به رنگ و به قفسی می‌ماند از گل.

بخشی از داستان کوتاه بند در مجموعه‌ی داستانهای کوتاه/دبار و آینه

نویسنده: محمود دولت‌آبادی

تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۴ = ۲۰۰۵

بند = l'entrave

کاهگل = torchis le , la bauge

قوزکردن = se voûter, faire le dos rond

تففیر = différence

دار قالی، راد = le châssis

باد دار = gonflé, boursouflé

سجل = l'acte de naissance

شته = le puceron

زی ر ب رق ب ردن (پا ب رق گذاشتن) ب رای سوزاندن ری شهی کچلی =

placer la tête de quelqu'un sous la lumière électrique pour brûler les racines
teigneuses

یک لاخ مو = un cheveu

سیخ = Une brochette

ختم = la fin, l'achèvement

اذان = l'appel à la prière

گیوه = une sorte de chaussure tissée en coton

TRAVAIL À FAIRE PAR LE CANDIDAT

I. COMPRÉHENSION DE L'ÉCRIT : (10 points)

۱. ظاهر جسمانی بچه‌های قالیباف چگونه بود؟

۲. چرا میرزا مظفر سر اسد را زیر برق برده بود؟

۳. چرا میرزا مظفر پشت سر بچه‌ها قدم می‌زد و از پشت گوشاهیشان به دستها نگاه می‌کرد؟

۴. میرزا مظفر در مدت چهارده سال چکار می‌کرد؟

۵. بعد از ختم اذان بچه‌ها چکار می‌کردند؟

II. EXPRESSION ÉCRITE : (10 points)

Traitez les deux sujets. (120 mots minimum pour chaque question)

۱. آیا حاضرید فرشی بخرید که به دست کودکان بافته شده؟ بله یا خیر؟ دلایل خود را توضیح دهید.

۲. آیا می‌توان اطمینان حاصل کرد که فرشی به دست کودکان بافته نشده؟ بله یا نه؟ توضیح دهید.

ظاهر جسمانی = apparence physique

بچه‌های قالیباف = enfants tisseurs des tapis à la main

حاضر بودن = accepter

دلایل = raisons

بافته شده = tissé

اطمینان حاصل کردن = s'assurer

فرش = قالی = tapis